

شیخ در ادامه می فرماید: لكن الاشكال من حيث اللهو.....

بعد سه احتمال میدهد :

انه ان ارید به مطلق اللعاب....اگر مراد از لهو ،مطلق بازی باشد چنانکه از صحاح و قاموس در می آید، فالظاهر ان القول بحرمة شاذ مخالف للمشهور والیسیرة.....چنین چیزی را که نمی توان گفت حرام است.

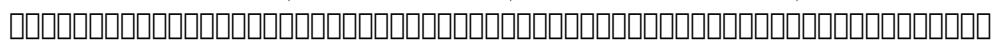
نعم لو خص اللهو (اگر بگویم لهو هر بازی و سرگرمی نیست) بما يكون من بطر و فسّر بشدة الفرح كان الاقوی تحریمه..... بعد مصداق شناسی هم می کند و میگوید: يدخل فی ذلك الرقص و التصفيق والضرب بالطشت بدل الدف

بعد می فرماید : اگر این باشد، حرام است ؛ بعد می فرماید که (احتمال سوم): و لو جعل مطلق الحركات التي لا يتعلق بها عرض عقلاي مع انبعاثها عن القوة الشهوية ففي حرمة تردد..

بگویم لهو مطلق حرکات اما حرکاتی که غرض عقلائی ندارد ... (در فارسی خوب معنی کرده اند؛ سرگرمی بدون هدف) البته نه هر حرکتی ؛ آنی که از قوای شهویه برخیزد...(اگر این باشد در حرمتش تردد است)

شیخ در یک کار ستودنی برای لعب سه تفسیر کرده است:

اولی را گفت حرام نیست دومی را گفت حرام است و سومی را هم فرمود که تردد است.



این متن شیخ آسیب ابهام دارد..این نحوه بیان شیخ مثل حالتی که متدینین سوال می کنند و فلان بزرگ و مرجع جواب میدهد

...

سوال کننده از این سوال چیزی می خواهد که در صحن عمل به کار او بیاید ...مناسب مجالس لهو و لعب هم باید دید که چه کسی باید تشخیص دهد ...آیا کسی که با طبل زدن روز عاشورا مخالف است؟! یا کسی که حداقل مجلس لهو و لعب را نوشیدن شراب بداند ... یا کسی که عرف عام را معیار قرار دهد.

اولین آسیبی که باید رسیدگی شود این است که ابهام ها برطرف شود.

دومین کار این که فتاوا بر مبانی محکم استوار باشد و آسیب آن این است که ما نتوانیم مبنا برای آن درست کنیم. (دومین آسیب این بود که مبانی فتاوا سست باشد)

این فتاوا گاه در سرنوشت هنر و کشور اثرگذار است ...

سومین کار این است که ورود فقها به تشخیص مصادیق منع شود...در واقع یک بار اضافه بر دوش فقها گذاشته می شود و اعتبار هم ندارد.

مثلا در جریان موضوع مرگ مغزی باید سوال کرد آیا این موضوعی است که به فقیه مربوط است .و در این باره معیارها

متفاوت و اختلافی است ...

باید یادمان باشد که در چاله تشخیص مصداق نیفتیم ...

مثلا در موضوع ارباح مکاسب برخی اعتقاد به مقدار خاص و شیوه خاص دارند که این تفاوت ها باید مبنا و معیاری داشته

باشد باید سوال کرد که آیا ورود در این حیطه ها و سنجش میزان سود و زیان هر کار به فقیه مربوط است که او ورود کند !؟

خواستم این موضوع را با این عنوان کلی بررسی کنم که جایی که فقیه باید وارد شود و جایی که فقیه نباید وارد شود....

این که کارشناسی مصداقی با فقیه است و یا نیست و کجا هست و کجا نیست این ها از همان مواردی است که مرتبط با این

قسم از بحث ما است .. در فقه و عرف این مورد را ببینید ...

در بحث فقه هنر ضمن این که باید سعی کنیم ابهام را برطرف کنیم شاید تشخیص مصداق با ما نباشد ...

سوال این است که الان این کاری که شیخ کرد بیان رقص و دست زدن و زدن روی تشنه آیا بیان مصداق است یا نه ؟

اگر جریان کار به شکلی بود که تشخیص مصداق آن کار با فقیه نبود ارزش فقهی ندارد ...

مجموعاً بحث این است که تا کجای کار تشخیص مصداق با فقیه است آیا در تمام حد و مرزها؟!!

وقتی صحبت از آسیب چهارم می کنیم در واقع باید افق های جدیدی باز شود یا به عبارتی نبود برخی از افق های لازم می شود

آسیب چهارم

به نظر ما برخی از فقها به این آسیب و در نقطه مقابل آن ، این بایسته توجه نکردندو در نتیجه فقه هنرشان مبتلا به یک آسیب

شده است...

غنا را فقهای ما از جنس صوت می دانند و هیچ ارتباطی با محتوا ندارد... یعنی محتوای غنای حرام می تواند یک شعر مبتذل باشد می تواند یک آیه قرآن باشد.... مشکل بسیاری از این آقایان این بوده که امام آیه لهو الحدیث را بر غنا تطبیق داده اند... حدیث لهو که می شود از جنس محتوا....

یا قول الزور یا گفته دروغ.

ما مشکل را به این شکل حل کردیم که همانطور که روایت مفسر آیات است آیات هم می توانند مفسر روایات باشند... پس یک احتمال بدهیم که غنای حرام، غنایی است که در محتوا مشکل داشته باشد.

ولی برخی این افق را توجه نداشتند... مرحوم امام خمینی در غنا بحث مفصلی در کتاب مکاسب محرمة دارد ص 204 و 205 را ببینید. ایشان همین مشکل را دارد که چگونه روایت ذیل آیه را به آیه ربط بدهد... وی پنج احتمال داده است؛ بدون این که محصلی داشته باشد...

البته این مبحث را از من در حد یک بحث علمی قبول کنید و بروید و مطالعه کنید... تلاش ایشان از این جهت بی نتیجه است که توجه به آن افق نداشته است.

ایشان بعد انقلاب عملاً پذیرفت که هر غنایی حرام نیست؛

ما مباحث را در فقه هنر به گونه ای باید پیش ببریم که همه چیز در قالب قانون بیاید... یک بحثی الان مطرح است با عنوان فقه و قانون و یا فتوا و قانون.

مباحث فقه هنر اگر بخواهد اجرایی شود باید از صافی قانون عبور داده شود... در فتوا ممکن است اختلافاتی باشد اما وقتی در قالب قانون قرار میگیرد نمی تواند اختلافی در آن باشد.. باید به این موارد در برنامه ریزی توجه داشت....
بحث بعدی ما این است: «حکم اولی فقه هنری و بررسی عوارض مغیر واحکام آن».

الحمد لله رب العالمین